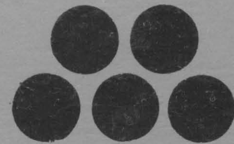



# دینیات





## برای صنف پنجم

سال ۱۳۶۵ ه ش

# دینیات

## برای صنف پنجم

سال- ۱۳۶۵ ، ھ ، ش

## مؤلفین :

مولوي محمد طاهر «صابر» ومولوي خانجان «میاخیل»

## اعضاء مشورتي :

باطن شاه «صافی» و روژه گل «وحدتي»

# فهرست

| صفحه | مضمون | شماره |
|---|---|---|

بسم الله الرحمن الرحیم

# حمد

حمد وثنا وصفات آن ذات پاك بی حدوبی پایان
است که آسمان را بدون ستون استوار نموده است و
زمین را قابل سکونت تمام جانداران گردانیده است ، و
درود باد برپیامبری که خاتم النبین ورحمةٌ للعالمین
است ، ودرود باد برهمه اهل بیت ویاران اوتا روزقیامت .

# قسمت اوّل

## ۱- طریقهٔ ادای نمازجماعت :

نمازجماعت سنّت موکد است . ما باید پنج وقت نمازرا
با جماعت ادا کنیم .
رسول الله صلّی الله علیهِ وَآلِهِ وَسلّمَ فرموده است : نمازجماعت

از سنّت های مؤکد است و مخالفت کنندهٔ آن منافق است.

وهمچنین فرموده است که : نماز با جماعت ازنمازیکه به تنهائی گذارده میشود (۲۷) درجه افضل تراست.

نماز جماعت چنین ادامیشود که اولاً اقامت گفته میشود ، بازامام درپیشروی همه بطرف قبله ایستاده میشود مقتدیان درعقب او صف بسته می ایستند وهمه نیت نماز میکنند . امام به جهر ومقتدیان خفیه اَللهُ اَکبرُ میگویند وهرکس هردو دست خودرا تا نرمهٔ گوش ها بلند میکنند .

بعد از آن امام ومقتدیان طورخفیه سُبحَانَکَ اللّٰهُمَّ را تا آخرمیخواند مقتدیان خاموش می ایستند و امام اعوذ بالله وبسم الله را خفیه میخواند . اگر نمازخفیه باشد امام سورهٔ فاتحه (الحمدلله) آمین ویک سوره یا چند آیا ت را خفیه میخواند واگر نماز جهر باشد الحمدلله را به جهرمیخواند وبعد از والاالضالّین مقتدیان وامام خفیه

آمین میگویند . امام بعد از خواندن چند ایت یا یک سوره
با گفتن اَللهُ اَکبَر همراه با مقتدیان به رکوع میرود .

در رکوع تسبیح «سبحان ربی العظیم» را سه مرتبه میگویند.
سپس امام به آواز بلند سمع الله لمن حمده و بعدازآن
مقتدیان طورآهسته ربنا لک الحمد گفته ، راست ایستاده
میشوند ، بعداً با گفتن اَللهُ اکبر به سجده میروند ، در سجده
سه مرتبه سبحان ربی الاعلی میگویند باز اللهُ اَکبَر گفته
و درست می‌نشینند باز الله اکبر میگویند و به سجده دوّم
میروند .

سجده دوّم را مانند سجدهٔ اول ادامیکنند . و با گفتن
الله اکبر برخیزند وراست استاده شوند ورکعت دوم
را مانند رکعت اول ادا نمایند . .بعد از رکعت دوّم که امام
ومقتدیان از سجدهٔ دوم بلند شدند در حالت نشسته التحیات
را تا عبده ورسوله خفیه بخواند .

اگر نماز فرض دورکعتی باشد درود ودعا راهم میخواند

و دروقت گشتاندن سلام بطرف راست وچپ امام به جهر و مقتدیان خفیه اَلسَّلامُ عَلَیکم وَرَحمَةُ الله وَبَرَکَاتُه میگویند

درنماز فرض سه رکعتی وچار رکعتی التحیات را تا عبده ورسوله میخوانند . امام ومقتدیان با گفتن الله اکبر برای رکعت سوم بلند میشوند . اگر نماز سه رکعتی باشد در رکعت سوم امام تنها الحمد لله را تا آخر طور خفیه می خواند از سجدهٔ دوم رکعت سوم که بلند شدند . تشهد ، درود ودعا را می خواند وسلام میگرداند .

اگر نماز چاررکعتی بود ، با بلند شدن از سجدهٔ دوم رکعت سوم برای رکعت چارم استاد میشوند . وآن را مانند رکعت سوم ادا میکنند ، بعدازآن برای ادای قعدهٔ آخری نشینند ، وبطرف راست وچپ سلام میگردانند که باگشتاندن سلام نماز جماعت تمام میشود .

---

| شماره | لفظ | معنی | شماره | لفظ | معنی |
|---|---|---|---|---|---|
| ۱ - | سنّت | طریقه | ۴ - | تشهد | التحیات تا آخر |
| ۲ - | مؤکد | تاکید شده بحکم | ۵ - | دعا | اللّهم ربّنا .... |
| ۳ - | قعده | نشستن | | | |

# تمرین

۱- نماز با جماعت فرض است یا سنّت ؟
۲- نماز جماعت از نماز تنها گذار چند درجه افضل‌تر است ؟
۳- در جماعت پیشروی مقتدیان کی استاده میشود ؟
۴- مقتدیان بعد از سبحانك اللّٰهم چه میکنند ؟
۵- امام ومقتدیان چه وقت آمین میگویند ؟
۶- امام در نماز فرض رکعت سوم وچارم راچطور ادا میکند ؟

# ۲- شرائط وجوب نماز جمعه

نماز جمعه فرض عین ویکی از نشانه های بزرگ
اسلام است که به این ترتیب بیان میشود .
مسلمانان در روز جمعه بعد از زوال آفتاب واذان
در مساجد جامع قریه ها و شهرهای خویش با هم
جمع میشوند ، امام مسجد جامع که خطیب نامیده میشود
بعد از چار رکعت نماز سنّت واذان دوم وپیش از
نماز جمعه برمنبر خطبه می خواند ، بعد از خواندن خطبه
دو رکعت نماز فرض جمعه مانند نماز صبح به جهر
ادا میکنند . درنماز جمعه مسلمانان ازاحوال یکدیگر
خبرمیشوند . مثلاً اگرکسی مریض باشد یابه سفر رفته
باشد ویا باکدام مشکل دیگری مواجه باشد ، به اندازهٔ
توان خود با او همدردی ، معاونت وکمک میکنند .ازروی
برادری اسلامی درخوشی او خوش واز غم او غمگین-

میشوند .

پس باید ما هرجمعه برای اداکردن نمازجمعه به مساجدجامع برویم ونماز فرضی جمعه را با دیگر برادران مسلمان خویش یکجا ادا نمائیم .

## شرائط وجوب نمازجمعه شش است .

۱- نماز جمعه برمسلمان بالغ فرض است نه برطفل .
۲- برمرد فرض است نه برزن .
۳- برمقیم فرض است نه برمسافر.
۴ - برصحت مند فرض است نه برمریض ، شل ، لنگ وکور.
۵ - برعاقل وهوشیار فرض است نه بر دیوانه .
٦- برشخص آزاد فرض است نه برغلام .

بناءً نمازجمعه برمسلمان بالغ ، مرد ، مقیم ، جور، عاقل وانسان آزاد فرض است نه برطفل ، نامسلمان ، زن ، مسافر ، مریض ، دیوانه وغلام .

# شرائط صحت اداکردن نماز جمعه

شرائط ادای نمازجمعه شش است.

۱- مصر یا فنای مصراست . مصرجائی راگویندکه امیر یا قاضی احکام و حدود شرعی را درآن اجراء کرده بتواند یا جائی راگویند که ساکنین قریه دریک مسجد بزرگ جمع شوند ودرآن جای نشوند وبه وسیع ساختن مسجد احتیاج پیدا شود .

فنای مصرجائی را میگویند که برای تأمین ضروریات شهرآباد شده باشد . مانند عیدگاه ، جای نمازعید، جای تعلیم عسکری ، میدان بازی واسپ دوانی ومانند آن .

۲- پادشاه یا نایب پادشاه است .

۳ - وقت است که بعد از زوال آفتاب در وقت پیشین نماز جمعه اداء میشود .

۴ - پیش از نماز جمعه امام با وضو دو خطبه را طور ایستاده بر منبر بخواند و دربین هردو خطبه کمی بنشیند

۵- جماعت است، نماز جمعه بدون جماعت اداء نمیشود که تعداد جماعت بشمول امام کم ازکم چار نفر میباشد .

۶- اجازهٔ عام است طوریکه رفتن هرکس به نماز جمعه آزاد باشد .

# تمرین

۱- نماز جمعه چطور است ؟

۲- درروز جمعه مردم درکدام جای جمع میشوند ؟

۳- نماز جمعه خفیه خوانده میشود یابه جهر ؟

۴- نماز جمعه چه وقت اداء میشود ؟

۵- نماز جمعه برمسافر ، مریض وکور فرض است یانه؟

۶- خواندن خطبه ازکدام شرائط نماز جمعه است ؟

۷- تعداد جماعت نماز جمعه باید چند نفر باشد ؟

# نماز عید

نماز عید واجب است . شرائط وجوب آن مانند نماز جمعه است . فرق آن تنها درخطبه است که خطبهٔ نماز جمعه شرط بوده وپیش از نماز خوانده میشود ولی در عید سنّت بوده وبعد از نماز خوانده میشود .

در روز عید هرمسلمان باید غسل کند ، مسواك بزند بدن را پاك کرده خوشبوئی استعمال کند لباس نو و یا شسته شده بپوشد ، صدقهٔ فطر بدهد و به جای نماز عید که عیدگاه گفته میشود برود آن جا دو رکعت نماز واجب عید فطر را به جماعت پشت سرامام این طوربخواند .

اوّل : نیت کند که : نیت کرده ام تا نماز عید فطر را با تمام تکبیراتش اداء نمایم اقتدا کردم پشت سر امام حاضر ، روی آوردم بطرف قبله ، خاص برای خدای متعال . وقتیکه امام الله اکبر گفت مقتدیان هم الله اکبر

گفته دست ها را تا نرمهٔ گوش ها بلند کنند وباز زیر ناف بگذارند . سبحانك اللّهم را تا آخر بخواند . باز امام الله اکبر میگوید و دست ها را تا گوش ها بلند مینماید . مقتدیان هم الله اکبر گفته دست ها را تا گوش ها بالا میکنند و باز اویزان میگیرند . وقتیکه سه مرتبه این عمل تکمیل شد پس امام و مقتدیان دست های خود را زیر ناف میگذارند . امام اعوذ بالله وبسم الله را خفیه و قرائت را به جهر میخواند . بعداً رکوع و سجده را طورعادی اداء میکنند . درركعت دوم امام بسم الله را به آهستگی میخواند زمانیکه از خواندن الحمدلله ویک سوره فارغ شد پس سه بار مانند رکعت اوّل الله اکبر میگویند و در گفتن هر تکبیر دست ها را تا نرمهٔ گوشها بلند میکنند وباز اویزان میگیرند در تکبیر چارم بدون بالا کردن دست ها به رکوع میروند وباقی نماز را به شکل عادی به پایان میرسانند. این شش تکبیر را تکبیرهای زوائد میگویند . امام بعد

از نماز بر منبر ایستاده میشود و مانند نماز جمعه دو خطبه می خواند در خطبه احکام صدقهٔ فطر را به مردم بیان میکند .

اگر نماز از عید قربان باشد در وقت رفتن به عیدگاه تمام مردم تکبیرهای تشریق را به آواز بلند میخوانند و در نیت کردن عوض عید فطر عید قربان یاد میکنند و در خطبه های عید قربان امام احکام قربانی وتکبیرهای تشریق را به مردم بیان میکند .

درصورت عذر نماز عید قربان تا روز سوم و نماز عید فطر تا روز دوّم اداء میشود . اگر شخصی نماز عید را پشت سر امام اداء نکند یا قضا شود ، قضائی ندارد . هرگاه امام در نماز عید ایستاده باشد و با وضوکردن مقتدی نماز عید فوت میشود پس تیمم برایش جائز است . همچنین اگر کدام مقتدی درنماز عید بی وضو شود و با وضوکردن او نماز فوت میشود ، جائز است که تیمم کند .

د ر روز عید پیش از نماز عید وبعد از آن خواندن

نماز نفلی در عیدگاه روا نیست .

# تمرین

۱- نماز عید سنّت است یا واجب ؟

۲- ایا نماز عید خفیه خوانده میشود ؟

۳- تکبیر های زوائد کدام و چند اند ؟

۴ - در رکعت اول تکبیرهای زوائد چند است ؟

۵ - در وقت رفتن به عیدگاه در کدام عید تکبیرها به جهر خوانده میشود ؟

٦ - درخطبهٔ عید قربان امام کدام احکام را بیان میکند ؟

۷- اگر از کسی نماز عید فوت میشود تیمم برایش رواست یا نه ؟

۸ - درعیدگاه پیش از نماز عید وبعد از آن نماز نفل جایز است یا نه ؟

# تکبیرهای تشریق

تکبیرهای تشریق عبارت اند از اَللّٰهُ اَکْبَر اَللّٰهُ اَکْبَر لَآ اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَر اَللّٰهُ اَکْبَر وَ لِلّٰهِ الْحَمْدُ .

این تکبیرها از تاریخ نهم «ذوالحجه» که به نام روز عرفه یاد میشود ، بعد از نماز صبح شروع شده وتا نماز دیگر سیزدهم ذوالحجه که تماماً بیست وسه نماز میشود ختم میگردند.

درین روز ها که روزهای تشریق گفته میشوند برهر مسلمان مکلّف واجب است که بعداز ادای نماز فرض یک مرتبه به جهر تکبیر بگوید .

این تکبیرها از زمانی برما واجب شده اند که حضرت ابراهیمؑ به امر خداوندؒ پسرخود اسمٰعیلؑ را غرض قربانی با خود به منا برد وجبرئیلؑ برایش به حکم خداوند گوسفندی

---

قسمت اول تکبیرتشریق «اَللّٰهُ اَکْبَر اَللّٰهُ اَکْبَر» را جبرئیلؑ قسمت دوّم «لَآ اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَر» را ابراهیمؑ وقسمت سوم «اَللّٰهُ اَکْبَر وَلِلّٰهِ الْحَمْد» را اسمٰعیلؑ گفته است .

را از جنّت آورد ودرعوض اسمٰعیلؑ آنرا خوابانید وحضرت ابراهیمؑ آنرا ذبح کرد واین تکبیرها را خواندند .

## تمرین

۱- تکبیر های تشریق را بخوانید ؟
۲- گفتن تکبیر چه وقت واجب است ؟
۳- این تکبیر ها ازچه زمانی شروع شده اند ؟
۴- قسمت اوّل این تکبیرها را کی ، قسمت دوّم آن را کی ، وقسمت سوم آنرا کی گفته است .

# قربانی

قربانی عمل نیک وبهتر است وبرهرمسلمان که مالک نصاب باشد واجب میشود .
پیغمبر ما درمورد قربانی چنین فرموده است : قربانی طریقهٔ بابای شما ابراهیم (ع) است . وهم فرموده است که درعوض هرموی حیوان قربانی شونده برای قربانی کننده نیکی وثواب داده میشود .

وقت قربانی کردن ازروز دهم ذوالحجه تا آفتاب برآمد روز دوازدهم آن میباشد . وقتیکه درروز سوم عید آفتاب نشست وقت قربانی تمام میشود . درجائیکه نمازعید خوانده میشود آن جا پیش از نمازعید قربانی کردن جائز نیست ودرمحله ها وقریه ها بعد از برآمدن آفتاب روز عید هم قربانی کردن رواست .

# حیواناتی که قابل قربانی میباشند قرار ذیل اند.

۱- بز گوسفند ویا بز که یکساله باشد قربانی میشود . و بر آن بره که شش ماهه باشد مگر درچاقی و بزرگی با یکساله برابر باشد هم قربانی میشود .

۲- بر گاو یا گاومیش که دوساله باشد .

۳- شتر که پنج ساله باشد .

گوسفند وبز را یکنفر قربانی میکنند ودرقربانی گاو و شتر ازیک تا هفت نفر شریک شده میتوانند .

اگر حیوان قربانی کور باشد یا بینائی یک چشم آن طوری باشد که بیشتر از نیم حصه نابینا بوده ویا از گوش ، دُم ، یا کدام عضو دیگرش نصف ویا قسمت زیاد آن قطع شده باشد برآن قربانی نمیشود .

همین طور اگر حیوان قربانی لنگ باشد وتا جای قربانی رفته نتواند ویا نصف ویا تمام دندان هایش افتاده

باشد وعلف خورده نتواند برآن قربانی نمیشود .

# تمرین

۱- درکدام جای پیش از نماز عید قربانی نمیشود ؟
۲- برکدام حیوانات قربانی نمیشود ؟
۳- در گاو ، گاومیش ، وشتر برای قربانی چند نفر شریک شده میتواند ؟
۴ - شتر چند ساله شود که قربانی گردد ؟
۵ - ایا بربرهٔ شش ماهه که آنقدر چاق باشد که با یکساله شناخته نشود قربانی میشود یا نه ؟

# نماز قضائی

برای هرآن کسی که به ادای نماز مکلّف باشد لازم است نماز های فرضی خودرا دراوقات تعین شده اداکند اگرکسی بدون کدام عذر شرعی نماز را قضا کند گناه است . اگر ازکسی به نسبت عذر شرعی مثلاً در وقت نمازخوابش ببرد ، نماز ازیادش فراموش شود ، بسیار سخت مریض گردد ، وامثال این ها ، نماز قضاء شود گناه گا رنیست لیکن قضائی آن براو لازم است . اگر درتمام عمر از یک شخص مسلمان وبالغ کمتر ازشش نمازفوت شده باشد اورا صاحب ترتیب میگویند . صاحب ترتیب نمازهای قضاء شدهٔ خودرا به ترتیب ادا میکند .

مثلاً اگر ازکسی ازصبح تا خفتن پنج نماز قضا شد پس به ترتیب پیش از نماز صبح آینده : ازنمازهای صبح ، پیشین ، دیگر ، شام وخفتن قضائی می آورد

درصورت کم بودن وقت و خوف فوت شدن نماز همان وقت ترتیب ضروری نیست . اگر ازکسی وتر قضاء شود، قضایی آوردن آن لازم و به ترتیب قضایی فرایض ادا میشود . در نماز های سنّت قضایی نیست .

مگر ازکسیکه فرض وسنّت نمازصبح هردوقضاءشده باشد درهمین روز قبل اززوال قضایی سنّت رابا فرض آورده میتواند .



# تمرین

۱- تا چند نمازکه قضاء شود ترتیب نیست ؟
۲- قضایی درسنّت هست یانه ؟
۳- قضاء آوردن وتر واجب ضروری است یانه ؟
۴- درصورت قضاء شدن نماز صبح تا کدام وقت از نماز سنّت قضاء آورده شده میتواند ؟

# نماز وتر واجب

نماز وتر برهرمسلمان مکلّف واجب است ادا نکردن آن گناه بزرگ است واگر قضاء شد قضائی آوردن آن واجب است .

وتر سه رکعت واجب وهمهٔ آن پراست که بعد از نماز خفتن تا صبح صادق به یک نیت ویک سلام اداء میشود، در رکعت سوم بعد از خواندن اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ ویک سوره با گفتن الله اکبر مرد دستهای خودرا تا نرمهٔ گوش ها وزن تا شانه ها بلند میکنند .

مرد ها دست های خودرا زیرناف وزن ها بالای سینه میگذارند و دعاء قنوت را خاموشانه میخوانند ونماز راطور عادی تمام میکنند . وتر واجب درماه رمضان باجماعت ودردیگر ماه ها تنها خوانده میشود .

هرگاه کسی بر بیدار شدن خود از خواب یقین داشته باشد

پس نماز وتر واجب را در قسمت آخر شب اداکند ، اگر در رکعت سوم وتر خواندن دعاء قنوت ازکسی فوت شود ودر رکوع به یادش بیاید دوباره به خاطر خواندن دعاء قنوت ایستاده نشود لیکن درآخر نماز سجدهٔ سهوکند .

# « دعای قنوت این است »

اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَسْتَعِيْنُكَ وَنَسْتَغْفِرُكَ وَنُؤْمِنُ بِكَ وَنَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ وَنُثْنِيْ عَلَيْكَ الْخَيْرَ ط وَنَشْكُرُكَ وَلَا نَكْفُرُكَ وَنَخْلَعُ وَنَتْرُكُ مَنْ يَّفْجُرُكَ ط اَللّٰهُمَّ اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَلَكَ نُصَلِّيْ وَنَسْجُدُ وَاِلَيْكَ نَسْعٰى وَنَحْفِدُ وَنَرْجُوْا رَحْمَتَكَ وَنَخْشٰى عَذَابَكَ اِنَّ عَذَابَكَ بِالْكُفَّارِ مُلْحِقٌ ط

# تمرین

۱- وتر واجب چند رکعت است وچه وقت اداء میشود ؟

۲- در نماز وتر واجب درکدام رکعت دعاء قنوت خوانده میشود ؟

۳- درنماز وتر واجب دعای قنوت را بلند میخوانند یا خفیه ؟

۴- اگر دررکعت سوم دعای قنوت ازکسی فراموش شود سجدهٔ سهو ادامیکند یانه ؟

۵- وتر واجب درکدام ماه به جماعت ادامیشود ؟

---

کسیکه دعای قنوت را یاد نکرده باشد پس این دعاء رابخواند .

اَللّٰهُمَّ رَبَّنَا اٰتِنَا فِی الدُّنْیَا حَسَنَةً وَّ فِی الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَّقِنَا عَذَابَ النَّارِ ط

یا : اَللّٰهُمَّ اغْفِرْلِی - اویا اَللّٰهُمَّ یَارَبِّ .... سه مرتبه بگوید .

# نمازهای سنّت ونفل

سنّت نمازی است که رسول الله صَلَّی اللّٰهُ عَلَیهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آن را اداکرده است وامّتیان او هم به پیروی او ادامیکنند اگرکسی آن را ترک کند در روز قیامت درحضور پیغمبر ص، ملامت خواهد بود .

نماز های سنّت دریک شبانه روز دوازده رکعت است : دورکعت پیش از نماز فرض صبح ، چاررکعت پیش از نماز فرض پیشین و دورکعت بعد ازآن ، دورکعت بعد از نماز فرض شام و دورکعت بعد از نماز فرض خفتن . این سنّت ها را سنّت مؤکد میگویند .

علاوه برآن نماز های دیگری نیز هستند که آن ها را سنّت زوائد یا نفل میگویند . اگرکدام مسلمان نماز نفلی بخواند ثواب میبرد واگر نخواند عذابی ندارد .

دورکعت نماز بعد از برآمدن آفتاب ونماز چاشت

دورکعت بعد از وضو ، دورکعت بعداز داخل شدن به مسجد ، چار رکعت پیش از نماز دیگر ، شش رکعت بعد از نماز شام ، چار چار رکعت پیش از نماز خفتن و بعد از آن ، نماز تهجد ومانند آن دیگر نمازهای نفلی است که خواندن آن بسیار ثواب دارد.

هرمسلمان باید به نمازهای نفلی خصوصاً به تهجد خودرا عادت کند بخاطریکه اجرآن خیلی زیاد است.

تمام رکعت های نماز سنّت ونفل پراست ( سوره درآن خوانده میشود )

هرگاه شخصی خواندن نماز نفلی را شروع کندو آن را مکمل نکند ، قضایئ آن براولازم میشود .

# تمرین

۱- سنّت کدام نماز را میگویند ؟

۲- دریک شبانه روز نماز سنّت چند رکعت است ؟

۳- در نماز پیشین چند رکعت سنّت است ؟

۴- نمازهای نفلی کدام اند و به اداکردن آن چه میشود ؟

۵- اگر نماز نفل شروع شود وتکمیل نشود قضائی آن لازم است یانه ؟

# اوقاتی که نماز خواندن در آن مکروه است

اوقاتیکه نماز خواندن درآن مکروه است دو قسم میباشد.

۱- اوقاتی است که تمام نماز های فرض، سنّت، جنازه، سجدۀ تلاوت و نماز قضائی درآن مکروه است. وآن سه وقت است:

۱- وقت آفتاب برآمد

۲- استوا که آفتاب به پیشانی برابر شود وزوال نه شده باشد (چاشت پخته)

۳- وقت آفتاب نشست. لیکن در آفتاب نشست خواندن نماز دیگر همین وقت جائز است.

دوّم: آن اوقاتی که تنها نماز نفل در آن مکروه است و نماز قضائی، جنازه، سجدۀ تلاوت

در آن مکروه نیست وآن دو وقت است :

۱- از شفق داغ که آنرا صبح صادق میگویند تا آفتاب برآمد بدون از دورکعت نماز سنّت دیگر نماز نفل ادا نمیشود .

۲- بعداز نماز فرض دیگر تا نماز شام نماز نفل نمیشود . درین دووقت نماز جنازه ، قضائی وسجدهٔ تلاوت جائز است .

همچنین وقتیکه امام درروز جمعه برای خطبه برمنبر بالا شود تا زمانیکه امام از خواندن خطبه فارغ نشود نماز خواندن جائز نیست .

# تمرین

۱- اوقات مکروهه چند قسم است ؟

۲- درکدام اوقات نماز قضائی و سجدهٔ تلاوت نمیشود؟

۳- درکدام اوقات تنها نماز های نفل مکروه است ؟

۴- اگر ازکسی نماز دیگر ناوقت شود اداء کردن آن در وقت غروب آفتاب جائز است یا نه ؟

# زکات وفرضیت آن

زکات درلغت زیادت وپاکی راگویند ودر شریعت خاص برای رضاء خداً دادن قسمتی ازمال است به مسلمان مستحق ، زکات فرض ویکی از پنج بنای اسلام است .

زکات به آیت ، حدیث واجماع امّت مسلمه فرض گردیده است . خداوندٌ متعال زکات را ازاین سبب بر مسلمانان فرض گردانیده است که درمیان مردم کسانی وجود دارند که توان خریدن غذا ولباس راندارند ویامریض هستند وقدرت تهیه کردن دوا را ندارند ، وباوجود چنین مردم کسانی نیز هستند که پول و ثروت کافی دارند واشیای مورد ضرورت زندگی برای شان به اندازهٔ کافی میرسد .

ازین جهت دین اسلام که مسلمین را باهم برادروخواهر

میداند ، امرمیکند که ثروتمندان با مساکین معاونت کنند ، تا این ها نیز آرام وآسوده زندگی کنند

واگر ثروتمندان زکات ندهند درروز قیامت با عذاب شدید مواجه خواهند شد .

طوریکه پیغمبرما (ص) فرموده است : کسانی راکه خدای اقدس دارائی داد وزکات بالای شان فرض شد و به غریبان نداد ، پس درروز قیامت از همین مال او یک مار بزرگ کچل[1] وزهرناک ساخته خواهد شد واز گردنش خواهد پیچید ودهنش را از هردوطرف پاره میکند واورا خواهد گفت که من همان مال و خزانهٔ دنیائی توهستم .

---

۱- کچل به معنی کل

# شرائط فرضیت زکات قرار ذیل اند

۱- عقل است ، پس بر دیوانه فرض نیست.

۲- بلوغ است ، پس برطفل فرض نیست.

۳- اسلام است ، پس برکافر فرض نیست.

۴ - آزادی یا حرّیت است ، پس برغلام فرض نیست.

۵ - مالک نصاب است ، پس برکسیکه مالک نصاب نباشد زکات فرض نیست .

در زکات دادن نیت شرط است . پس زکات دهنده یا در وقت زکات دادن ویا در وقت جدا کردن پول زکات از مالش نیت کند .

---

۱- آیت شریف : وَآتوا الزَّكٰوة ۲- حدیث شریف : بُنِیَ الاِسْلَامُ عَلٰی خَمْسٍ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُوْلُ اللّٰه وَإِقَامَ الصَّلٰوةِ وَإِيْتَاءِ الزَّكٰوةِ وَالْحَجِّ وَ صَوْمِ رَمَضَانِ .

# تمرین

۱- زکات درلغت وشریعت چه را میگویند ؟
۲- زکات به چه فرض شده است ؟
۳- اگر برکسی زکات فرض شود وآنرا ندهد درروزقیامت ازآن چه ساخته میشود ؟
۴ - شرائط فرضیت زکات چند وکدام اند ؟

# نصاب زکات طلاونقره

نصاب زکات طلا بیست مثقال است هرکسی که بیست مثقال طلا داشته باشد ، زیور باشد یا ظرف ویا پارچه ، واز احتیاج اصلی اضافه بوده وازکسی قرض نگرفته باشد ویکسال برآن گذشته باشد چهلم حصهٔ آنرا درزکات میدهد. پس دربیست مثقال طلا نیم مثقال زکات داده میشود.

وقتیکه چار مثقال یعنی پنجم حصهٔ نصاب بر بیست مثقال اضافه شود پس نیم مثقال ودو قیراط زکات بدهد یک مثقال بیست قیراط است بناءً چارمثقال باهشتاد قیراط مساوی میشود . وچهلم حصهٔ هشتاد قیراط دوقیراط میشود.

نصاب زکات نقره دوصدروپیهٔ شرعی است که وزن هرده روپیهٔ آن هفت مثقال میباشد . پس هرشخصی که این نصاب دارد وبرآن یکسال سپری شده باشد واز کسی قرض هم نگرفته باشد درچهل روپیه یک روپیه زکات میدهد که به این حساب در دوصد روپیه پنج روپیه زکات میشود .

اگر چهل روپیه برنصاب زیاد شود ( دوصدوچهل روپیه شود) شش روپیه زکات آن میشود . اگرکسی قدری طلا و قدری نقره داشت وهرکدام آن به نصاب نمی رسید ، پس هر دورا ازروی قیمت یکجا نماید مثلاً پنج مثقال طلا داشته باشد که باصدروپیه مساوی میشود و صد روپیه نقد

داشته باشد که مجموعاً دوصد روپیه میشود . پس مالک
نصاب نقره بوده باید زکات آنرا بدهد .

اگر یک نفر ده مثقال طلا وصد روپیه نقد داشته باشد
درصورتیکه صد روپیه را به طلا تبدیل کند ، ده مثقال طلا
برآن نشود یعنی نصاب طلا را پوره نکند لیکن اگرقیمت طلا
را به روپیه بگرداند پس قیمت آن صد یا بیشتراز صد
روپیه شود بناءً در این صورت به نصاب نقره گردانده شود،
زیرا این به نفع غریبان است وزکات آن داده شود .



# تمرین

۱- نصاب طلا چقدر است ؟

۲- برنصاب طلا چقدر اضافه شود که درآن زکات لازم میشود ؟

۳- یک مثقال چند قیراط است ؟

۴- نصاب نقره چقدر است ؟

۵- ده روپیهٔ شرعی با چند مثقال مساوی است ؟

۶- درچهل روپیه که برنصاب اضافه شود چقدر زکات میشود ؟

# زکات در مال تجارت

در تمام اموال تجارت مثلاً پارچه ، چارپایان ، چوب، آرد وماندآن که قیمت آنها به اندازهٔ نصاب طلا و نقره برسد وبرآن یکسال گذشت ، زکات فرض میشود و مالک نصاب از روی قیمت ونصاب طلا ونقره از آن زکات میدهد . مال تجارت که هرچیزی باشد درسال یک بار قیمت گذاری میکنند وزکات آنرا میدهد .

در اشیائیکه برای ضرورت خویش باشند مثلاً : کتاب های درسی ، سامان کسب وکار خود مانند سامان آلات زرگری ، آهنگری ، نجاری ، دهقانی وغیره که برای تجارت نباشند زکات نیست .

اگر نصاب مال تجارت در اول ویاآخرسال کامل ودرمدت مابینی سال کم باشد باکی ندارد ، زکات آنرا بدهد هرگاه درمیان سال فایده کند پس درآخرسال زکات فایده آنرا هم بدهد .

# تمرین

۱- زکات مال تجارت راچطور میدهید ؟

۲- درکتاب های درسی وآلاتی که به خاطر تجارت نباشند زکات است یانه ؟

۳- درهمان فایدهٔ مال تجارت که دربین سال حاصل کرده باشد زکات است یا نه ؟

# مستحقین زکات

اشخاص ذیل مستحق دادن زکات میباشند .

۱- فقیراست که یک اندازه مال دارد امّا مالک نصاب نباشد.

۲- مسکین است که چیزی ندارد .

۳- ماموریني است که از طرف پادشاه یا حکمران برای جمع آوری زکات مقرر شده باشند به اندازهٔ کارشان به آن ها زکات دادن جایز است .

۴ - غلامی است که بادارش برایش گفته باشد که اینقدر پول برایم بیاور بعداً آزادت میسازم وغلام آنرا قبول کند پس زکات گرفتن برایش جایز است .

۵ - قرضدار است ،کسی که مالك نصاب باشد لیکن قرضدار بوده باشد زکات گرفتن برایش جایز است .

٦ - برای غازیان ومجاهدینی که دریك منطقه مانده باشند وبرای خرچ ومصرف چیزی نداشته باشند گرفتن

زکات برای شان جائز است.

۷ - به مسافریکه پول ندارد ،اگرچه درخانه مالدارباشد دادن زکات روا است .

# دادن زکات به اشخاص ذیل جائز نیست.

۱- به مادر ، پدر ، پدرکلان ، مادرکلان و هم چنین به اولاد ونواسهٔ خویش زکات دادن جائز نیست .

۲ - به غلام ومکاتب خود ( به آن غلامی که مالک برایش گفته باشد که تو بعد ازمرگ من آزادهستی ) همچنین به کنیزخود که اولاد داشته باشد ، ویابهٔ آنکه کاملاً آزادش نکرده باشد زکات دادن مولا جائزنیست.

۳- به ثروتمند یا طفل وغلام اوزکات دادن جائز نیست . ۴- به بنی هاشم زکات دادن جائز نیست.

۵ شوهر به زن وزن به شوهرخود زکات ندهد .

۶ - بر پول زکات آباد کردن مسجد ، مرده راکفن دادن و قرض مرده راداکردن روا نیست .

بردن پول زکات به جای دیگری درصورتی جائز است که درآن جا خویشاوندان غریب داشته باشد و یا غریبان آن جا بسیار محتاج باشند .

# تمرین

۱- فقیر کیست ومسکین کی رامیگویند ؟

۲- به غازیان عقب مانده زکات دادن جائز است یانه ؟

۳- زکات به کی داده نمیشود ؟

۴ - برپول زکات مسجد آباد کردن ، مرده راکفن دادن درزکات قبول میشود یانه ؟

# زکات شتر

چارپایانی که بیشتر وقت سال در صحرا بچرند و به نصاب برسند درآن ها هم مانند طلا ونقره زکات لازم میشود .کسی که از پنج تا نُه شتر داشته باشد یک گوسفند را درزکات بدهد.

از ده تا چارده شتر دوگوسفند ـ از پانزده تا نزده شتر سه گوسفند ـ از بیست و پنج تا سی وپنج شتر یک شتر یکساله را زکات بدهد. اگر تعداد شترها از سی و شش تا چهل وپنج باشد ، پس یک شتر دو ساله را درزکات بدهد . ازچهل وشش تا شصت شتریک شتر سه ساله زکات داده میشود . از شصت ویک تا هفتادو پنج شتر یک شترچارساله - واز هفتادوشش تا نود شتر دو شتر دوساله را زکات بدهد . از نود ویک تایکصد و بیست شتر دوشتر سه ساله درزکات داده میشود . هرگاه تعداد

شترها از یکصدو بیست ویک تا یکصدو چهل وچار باشد
علاوه بردو شتر سه ساله درهر پنج شتر زیاد شده یک
گو سفند زکات بدهد.

وقتیکه تعداد شتر به یکصدو چهل وپنج رسید، پس
دو شتر سه ساله ویک شتر یکساله را درزکات بدهد. در
یکصدو پنجاه شتر سه شتر سه ساله زکات میشود. درهر
پنج شترکه از یکصدو پنجاه زیاد میشود سه شترسه ساله
ویک گوسفند زکات میشود. این قاعده تا یکصدوهفتاد
وچار شترمیرسد.

دریکصد وهفتادو پنج تا یکصدو هشتادو پنج شترسه
ساله ویک شتریکساله زکات میشود.

ازیکصدو هشتاد وشش شتر تا یکصدو نودو پنج، سه
شتر سه ساله ویک شتر دوساله وازیکصدونود وشش
تا دوصد شتر چار شتر سه ساله زکات داده میشود.

زمانیکه تعداد شترها از دوصد زیاد شود ادای زکات

آن طوری ترتیب میگردد که با زیاد شدن از یکصدوپنجاه شتر ترتیب یافته بود .

# تمرین

۱- نصاب اول شترها کدام است ؟
۲- در سی وشش شتر چقدر زکات میشود ؟
۳- سه شتربچه درچند شترزکات داده میشود ؟
۴- بریکصد وپنجاه که ده شتر دیگر زیاد شود زکاتش چند میشود ؟
۵ - شتر چارساله درچند شتر لازم میشود ؟
۶ - اگرکسی صد شتر را درخانهٔ خود نگاه کند درآن زکات است یا نه ؟

# زکات گاو

در گاو ها ئیکه تعداد آنها از سی کمتر باشد زکات نیست،
وقتیکه تعداد آن ها به سی برسد ویکسال برآن هــا
بگذرد ومدت زیاد سال درصحرا بچرند پس مالک نصاب
گو سالۀ نریا مادۀ یکساله را زکات میدهد . درچهل گاو
یک گاو دوساله لازم میشود .
زمانیکه تعداد آن ها ازچهل گاو زیاد میشود پس در
هرگاو چهلم حصه ، $\frac{1}{40}$ ، قیمت یک گاو دوساله زکات
داده میشود . اگر دو گاو زیاد شد $\frac{2}{40}$ حصه واگرسه گاو
زیاد شد $\frac{3}{40}$ حصه از قیمت گاو دوساله زکات داده میشود.
درزکات دادن این ترتیب تا پنجا ونه گاو دوام مینماید .
حینکه تعداد گاو ها به شصت برسد پس دوگوسالۀ
یکساله رامیدهد . اگر تعداد به هفتاد برسد یک گاودوساله
ویک یکساله رازکات میدهد . درهشتاد گاو ، دوگاو

دوساله را زکات میدهد .

ازین به بعد[1] درهرده گاو که برنصاب زیاد میشود زکات گاو از دوساله به یکساله واز یکساله به دوساله تغیر خواهدکرد .

زکات گاومیش ها ونصاب آن عیناً مانند زکات ونصاب گاو ها است وکدام فرقی ندارد .

---

۱- مثلاً درهشتاد گاو دوگاو دوساله زکات میشود زیرا دوبارچهل گاو درآن موجود است . وقتیکه ده برآن زیاد ونود شدند پس سه گوسالهٔ یکساله را زکات میدهد . زیرا سه بار سی گاو درآن موجود است واگر صدگاو شد پس یک گاو دوساله ودوگوسالهٔ یکساله زکات آن میشود زیرا یک بارچهل ودوبارسی گاو درآن موجود است پس درحالت اوّل به یکساله ودرصورت دوّم به دوساله تغیرکرد .

# تمرین

۱- درچندگاو دادن زکات فرض میشود ؟

۲- بر چهل گاو که دوگاو زیاد شود زکاتش چقدر است ؟

۳- درنود گاو چقدر زکات داده میشود ؟

۴- یک گوسالهٔ دوساله زکات چندگاو است ؟



# زکات گوسفند و بز

نصاب زکوٰة گوسفند و بز چهل است ، کسی که
صاحب چهل رأس بز و یا گوسفند باشد و مدت زیاد
سال در صحرا چریده باشند ، پس در چهل تا یکصد و بیست
گو سفند یا بز یک رأس آن زکات میشود .

از یکصد و بیست و یک تا دوصد گو سفند دو گوسفند
را زکات میدهد . از دوصد و یک گو سفند تا سه صد و
نود و نُه ، سه گوسفند را زکوٰة میدهد .

وقتیکه تعداد بز و گو سفند به چارصد برسد پس
چار گوسفند زکات دارد . از چارصد گوسفند بالاتر در هر
صد گوسفند و بز یک گوسفند زکات میدهد . مثلاً در
پنجصد گوسفند پنج و در شش صد گو سفند شش گوسفند
را زکوٰة میدهد .

تبصره : در قاطر و یا خر که برای تجارت نباشد زکوٰة

لازم نمیشود .

اگر برای تجارت باشد - قیمت آنرا به نصاب طلا و نقره حساب کرده واز روی آن زکوة را اداء کنند .

در اسپ ها که نر وماده یکجا باشند به قول اصحاب زکوة نیست . امام صاحبؒ میگوید که در آن زکوة است . امّا اختیار به مالک است که در مقابل هر اسپ یک دینار زکوة میدهد یا اسپ ها را قیمت گذاری میکند واز روی نصاب طلا ونقره زکوة آن ها را میدهد .

اگر اسپ ها تنها نر ویا ماده باشند برآن ها زکوة لازم نمیشود . تنها در شتر بچه ها، بره ها وگو ساله های که چارپایان کلان با آن ها نباشند زکوة نیست .

# تمرین

۱- نصاب اوّل گوسفند وبز چقدر است ؟

۲- دو گوسفند زکوٰة درچند گوسفند لازم میشود ؟

۳- در سه صد گوسفند چقدر زکوٰة میشود ؟

۴- در بره ها ، بچه های شتر وگوساله ها که تنها باشد زکوٰة است یانه ؟

# صدقهٔ فطر

بر هرمسلمان اصیل که مالک نصاب بوده وضروریات خانه اش مکمل باشند صدقهٔ فطر واجب است .
به طوریکه صدقهٔ فطر خودش و اطفال خودرا که چیزی نداشته باشند و صدقهٔ فطر غلام خودرا بدهد . اندازهٔ صدقهٔ فطر یک نفر نیم پیمانهٔ گندم یا آرد گندم یا یک پیمانه جو ویا خرما یا یک پیمانه کشمش است. ویا قیمت آن را میدهد. وقت ادای صدقهٔ فطر بعداز سفیده داغ روز عید رمضان وپیش از نماز عیداست و به مساکین داده میشود . اگرصدقهٔ فطر پیش ازعید فطرداده شود هم جائز است . لیکن اگر از روز عید تجاوزکند ثوابش کم میشود . اگردرشب عیدکسی وفات شود ، صدقهٔ فطرآن لازم نمیشود . اگرکدام طفل درشب عید تولد شود پس صدقهٔ فطر براو لازم میشود . صدقهٔ فطر زن واولاد

بالغ بر شوهر و پدر لازم نیست .

# تمرین

۱- صدقهٔ فطر یک نفر چقدر گندم میشود ؟
۲- وقت ادای صدقهٔ فطر کدام است ؟
۳- اگر طفلی درشب عید تولد شود صدقهٔ فطربالایش لازم است یانه ؟
۴ - اگرکسی درشب عید فوت شود صدقهٔ فطرآن را بدهند یانه ؟

# قسمت دوّم

# عَقِیدَه

۱ـ توحید (یگانگی) اللّٰهؐ

اللّٰهؐ نام آن ذاتیست که درذات وصفّات خود شریک ندارد .

تمام صفات ، کمال و جلال را داراست واز هرعیب و نقصان پاك میباشد .

**توحید** : یگانگی راگویند یعنی مامسلمانان کاملاً یقین وعقیده داریم که خدای پاكؐ یکتاو در ذات ( وجود وصفّات ) خود شریك وهمتا ندارد .

# دلائل نقلی توحید
# الله جَلَّ جَلَالُهُ

در انسان ها چنین بندگان نادان هم وجود دارند که از وحدانیت و یگانگی خداوند انکار میکنند.
بادست خود از سنگ، آهن، چوب و دیگرچیز ها مجسمه هامیسازند وآن هارا با خدا شریک میسازند و عبادت آن ها رامیکنند.
تعدادی از مردم هستند که خدا را نسبت پسر میدهند مانند یهود که عزیرعَلَیْهِ السَّلام را و نصاریٰ که عیسیٰ عَلَیْهِ السَّلام را پسر خدا میگویند وبی‌بی‌مریم ما در عیسیٰ عَلَیْهِ السَّلام را زن خدا میدانند العیاذ بِالله.
وحدانیت خدا وترديد سخنان منکرین وکافران در قرآن کریم ثابت شده است. طوریکه الله جَلَّ جَلَالُهُ

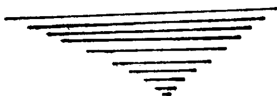
می فرماید . ( قُلْ هُوَاللهُ اَحَدٌ ) بگو ای پیغمبر که الله یک است . ( اَللهُ الصَّمَدُ ) خدا بی نیاز است . به هیچ کس درهیچ چیز وکاری احتیاج وضرورت ندارد . و تمام مخلوق به او محتاج است . لَمْ یَلِدْ هیچگاه کسی را تولد نکرده است . ( نه پسردارد نه دختر ) پس آن مردم بدبخت ونادان که میگویند عیسٰی عَلَیْهِ السَّلام ، یا عزیر عَلَیْهِ السَّلام پسرخدا ست یا ملائیک دختران خداوند اند این چیز ها همه دروغ بوده وکافران آن را از خود ساخته اند .

( وَلَمْ یُوْلَدْ ) هیچگاه ازکسی پیدا نشده است ( نه مادردارد و نه پدر )

پس آن انسان های بدبخت ونادان که عیسٰی عَلَیْهِ السَّلام را پسرخدا میدانند ، آن ها دروغ میگویند وکافرهستند زیرا عیسٰی عَلَیْهِ السَّلام ازبی بی مریم تولد شده است وخدا نیست . صفّات خدا اینست که نه کسی ازاو پیدا شده

و نه او ازکسی پیدا شده است .

« وَلَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً اَحَدٌ » و هیچ کس همتای او نیست.
مثل ، همتا ، مخالف وشریکی ندارد و تنها ذات واحد
و یگانه است .



---

هدایت این سوره دلیل وحدانیت خدا جَلَّ جَلَالُهُ است و برمنکران و
کافران رد واضح است . علاوه براین سوره درقرآن کریم دلایل وحدانیت
خداوند بسیار زیاد است که درصنوف دیگر برآن ها بحث خواهد شد.

# دلائل عقلی وحدانیت الله جلّ جلاله

الله یک است وشریک ندارد اگر دو یا سه خدا موجود می بود (العیاذ بالله) و هریک صاحب ارادهٔ آزاد وقدرت می بود پس نظام فعلی زمین وکائنات یک حالت ثابت نمیداشت یکی برای پیدا کردن یک چیز و دیگری برای پیدا نکردن یک چیز اراده میکرد مثلاً یکی زمین را منهدم میساخت و دیگری باز به شکل دیگری آن را میساخت ، هم چنین این کوه ها وآسمان ها را یکی به یک ـ رنگ و دیگری به رنگ دیگر میساخت واشکال ظاهری آن ها تبدیل می شدند و هرروز به اشکال مختلف دیده میشدند.

لیکن میبینیم که زمین ،کوه ها ، آسمان ها و دیگر تمام کائنات را خداوندٌ به یک اندازهٔ معین خاص به

قدرت کامل خود ساخته است و به امر الله ج درزمان تعین شده فنا میشوند . خدا ج برای هرچیز یک تاریخ و عمر ثابت معین کرده است که از آن یک ثانیه پس و پیش شده نمیتواند . از نظام موجود این کائنات خدا چنین ثابت میشود که خدا دو یاسه تا نیست بلکه یک خدا ج وجود دارد که مالک ارادهٔ آزاد و قدرت است هر چیزی را که بخواهد درهر وقت وهرجای بدون زحمت آن را پیدا کرده میتواند .

دومین دلیل عقلی درتوحید خدا ج : زمین، کوه ها دشت ها ، تپه ها ، بلندی ها ، پستی ها ، چارپایان ، نباتات وتمام اشیای دیگر دلائل کمال ، قدرت، عظمت ویگانگی خداوند تعالیٰ ج است زیرا خداوند ج زمینی را برای سکونت هموار نموده است که نه بسیار نرم و نه خیلی سخت است ، آسمان را بدون ستون استوار داشته وبر آفتاب ، مهتاب و ستاره گان آن را مزین کرده است . کوه ها را

مانند میخ برزمین کوبیده . دشت ها ، تپه ها ، بلندی ها و
پستی ها را با سنگ ها ، گل ها ، درختان و بته های
رنگارنگ زینت داده است .

همچنین درچارپایان ، نباتات ، باغ ها ، چمن زارها و
انسانان نشانه های واضح ، بزرگی و یگانگی خداوند ج
موجود است . اگر دقیقاً فکر کنیم ، بدون ذات واحد خدا ج
دیگر هیچ کس این چیزها را پیدا کرده نمیتواند ونه آن ها
را بمیان آورده میتواند .

لذا برما لازم وضروری است که عبادت و بندگی خدا ج
را بکنیم .

# تمرین

۱- وحدانیت خداؒ بر کدام آیت ثابت است ؟
۲- از کدام آیت معلوم میشود که خداؒ کسی را تولد نکرده است ؟
۳- وَلَمْ يُولَدْ چه معنی دارد وعقیدهٔ کدام مردم را رد میکند ؟
۴ - درساختمان آسمان ها چه نشانه های وحدانیت خداؒ موجوداست ؟
۵ - این نظم موجودکائینات برچه دلالت میکند ؟
٦ - آسمان ، آفتاب ، مهتاب وستاره ها راکی پیداکرده وبرای چه پیدا شده ؟

# چهاردلیل احکام شرعی

برای ثبوت احکام شرعی چهاردلیل وجود دارد.

اوّل کتاب الله: یعنی قرآنکریم که کتاب فصیح وبلیغ خداوندً است وتوسط جبرائیل عَلَیْهِ السَّلام برآنحضرت مُحَمَّد صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نازل شده است.

دوّم: حدیث شریف: اقوال وافعال یعنی فعل و تقریر آنحضرت (ص) ویارانش را حدیث شریف میگویند.

سوم. اتفاق واجماع امّت مسلمان بریک حکم است.

چارم: قیاس است یعنی تشبیه یک حکم با حکم منصوصی دیگری میباشد..

هرحکم شرعی بریکی از دلائل چارگانهٔ فوق ثابت میشود.

# امام ابوحنیفه رحمة الله تعالی علیه

در اسلام مذاهب بسیار است. پیروان تمام مذاهب اسلامی مسلمان و برادران یکدیگر اند.

ما درین صنف سوانح مختصر پیشوایان چار مذهب (امام ابوحنیفه، امام مالك، امام شافعی، امام احمد بن حنبل رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِمْ) را میخوانیم.

بیشتر مردم ما پیرو مذهب امام ابوحنیفه میباشد.

ابوحنیفه، نعمان پسر ثابت و نواسهٔ زوطی است. امام ابوحنیفه اصلاً افغان است پدرکلان هایشان از افغانستان به کوفه رفته اند. (کوفه در آنوقت از شهرهای بسیار مشهور مسلمانان بود)، آنجا تجارت میکردند. ابوحنیفه در سال (۸۰) هجری در کوفه تولد و در سال (۱۵۰) هجری در شهر بغداد عراق وفات شد.

ابوحنیفه علوم مختلف آن وقت را از استادان مشهور آموخت

و بعداً در کوفه علم فقه را از «حماد» یاد گرفت.
زمانیکه «حماد» وفات شد، شاگردانش ابوحنیفه را
در عراق رئیس علماء فقه تعین نمودند.
ابو حنیفه مسائل مشکل را از روی قرآنکریم و سنّت
پیغمبر حل میکرد وسوالات مسلمانان راجواب میداد. امام
ابوحنیفه یک عالم بسیار دانا، هوشیار وپرهیزگار بود. بنا
به این سبب اورا امام اعظم «امام بزرگ» میگفتند[1] باوجود
اینکه ابوحنیفه درعراق رئیس علماء بود تجارت هم میکرد.
مفاد سالانهٔ تجارت را جمع آوری می نمود واحتیاجات شاگردان
خویش، علماء وکسانی را برآن رفع میکرد که علم حدیث
را تدریس میکردند ویاخودشان می آموخت. پول باقی مانده
را به آن ها میداد وبرای شان میگفت که به جز از خدا
ستائش هیچ کسی رانکنید، زیرا من از مال خود به شما
چیزی نداده ام، این مهربانی خداوند است که از
سبب شما برمن شده است. امام ابو حنیفه عزّت نفس

داشت ، بنابرین از هیچ کس طمع چیزی را نمیکرد .
خیلی امانت کار بود . بخشش میکرد وبخیل نبود بسیار
دیندار ، پاک وپرهیزگار بود - در روز روزه میگرفت
و درشب عبادت خدا را میکرد .

امام ابوحنیفه درمسلمانان جهان پیروان خیلی زیاد دارد
کسانیکه به مذهب ابوحنیفه هستند ، آن ها را حنفی
مذهب میگویند .

---

۱ - مقبرهٔ ابوحنیفه در قریهٔ اعظمیه ، که به امام اعظم منسوب بود
واقع میباشد .

# تمرین

۱- نام ابوحنیفه چیست ؟

۲- امام ابوحنیفه اصلاً از کجا است ؟

۳- امام ابوحنیفه برعلاوهٔ اینکه رئیس علماء فقه عراق بود دیگر چه شغلی داشت ؟

# امام مالک رحمة الله علیه

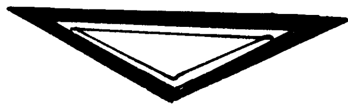
امام مالک پسر انس اصبحی بود. امام مالک رح رئیس علمای مدینه بود. درعلم حدیث پیغمبر ص خوب معلومات داشت.

امام مالک رح درسال (٩٣) هجری در شهرمدینه تولد شده است ودرسال (١٧٩) هجری به عمر (٨٦) سالگی درآن جا وفات شد.

امام مالک رح از علمای بزرگ زمان خود علم آموخت تا آنکه در حجاز (عربستان) صاحب مذهب شد. امام مالک رح درعلم ودانش بسیار شهرت یافت، دوستداران علم ازهرطرف برای یادگرفتن احادیث پیغمبر ص نزد او میرفتند. امام مالک رح درحالیکه لباس خوب وخوشبو را به تن میداشت. درمسجد پیغمبر ص باکمال ادب می‌نشست ودرس حدیث میداد، و به احترام پیغمبر ص باصدای

نرم و آهسته سخن میگفت . امام مالک (رح) هم در بین مسلمانان پیروان زیاد دارد . کسانیکه پیرو مذهب امام مالک (رح) اند آن ها را مالکی میگویند که مذهب شان نیز به همین نام یاد میشود .

امام مالک (رح) نیز از روی قرآنکریم و احادیث پیغمبر (ص) مسائل مشکل را حل میکرد و سوالات مسلمانان را جواب میداد .



# تمرین

۱- امام مالکؒ درکدام علم بسیارشهرت داشت؟
۲- امام مالکؒ درکجا تولد شده است؟
۳- کسانیکه پیرو مذهب امام مالکؒ اند آن‌ها را چه میگویند؟

# امام شافعی رحمة الله علیه

امام شافعی محمّد ، پسر ادریس ، نواسهٔ عباس وکواسهٔ شافع است .

نسب امام شافعیؒ درعبد مناف به رسول الله (ص) میرسد.
امام شافعیؒ در سال (۱۵۰) هجری در (غزه) تولد ودرسال (۲۰۴) هجری درمصر وفات شد .

امام شافعیؒ دو ساله بود که مادرش اورا با خود به مکّه معظمه برد درآن جا درس قرآنکریم خواند ، علم لغت و شعر را یادگرفت . فقه را از مسلم پسرخالد که مفتی مکّه معظمه بود آموخت . بعد ازآن به مدینه منوّره رفت واز امام مالکؒ علم حدیث را یادگرفت .

امام مالکؒ یک ذکاوت عجیبی را درامام شافعیؒ میدید وهروقت از هوشیاری و ذکاوت او سخن میگفت.
بعداً به یمن رفت لیکن ازآن جا بطرف بغداد سفر کرد

و در آن جا با محمّد شیبانی ملاقات کرد ، و از او علم آموخت . سپس باز به مکّه آمد و گاهی به عراق میرفت و گاهی به حجاز ، تا آنکه در مصر اقامت نمود و مذهب خود را در آن جا پخش کرد .

تعداد زیادی از مسلمانان جهان از مذهب امام شافعیؒ پیروی میکنند ، کسانیکه که از مذهب امام شافعیؒ پیروی میکنند ایشان را شافعی مذهب میگویند

امام شافعیؒ هم از روی قرآن مجید و سنّت پیغمبرؐ مسائل سخت و پیچیده را حل میکرد و به سوالات مسلمانان جواب میگفت .

# تمرین

۱- نام امام شافعیؒ چیست ؟
۲- امام شافعیؒ درکدام سال وفات شد ؟
۳- امام شافعیؒ مذهب خودرا درکجا پخش کرد ؟



# امام احمد بن حنبل

نامش احمد، پسر محمّد ونواسهٔ حنبل شیبانی است.
امام حنبلؒ درسال «۱۶۴» هجری درمرو تولد شد و در سال «۲۴۱» هجری دربغداد وفات یافت[1] دراوّل از ابو یوسف که شاگرد ابوحنیفهؒ بود درس خواند وبعداً آموختن علم حدیث را شروع نمود. تا اینکه درحدیث شهرت کافی یافت.
از جملهٔ شاگردان امام حنبلؒ «بخاری» و «مسلم» بسیار مشهوراست. امام حنبلؒ یک شخص پرهیزگار، امانتکار و دانا بود وازحق وخیردفاع میکرد.
ازین سبب مسلمانان بااو بسیار علاقه داشتند و از نصایح، علم ورهنمائی های اوپیروی میکردند. امام

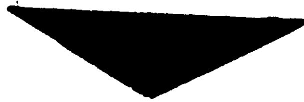
---

۱ـ بعضی مؤرخین میگویندکه امام احمد بن حنبلؒ درشکم مادربود. مادرش ازمرو به بغدادرفت واحمد بن حنبلؒ درماه ربیع الاوّل سال «۱۶۴» هجری درآن جا تولد شد.

شافعیؒ دربارهٔ او چنین گفته است : « از بغداد برآمدم وکسی را از امام احمد بن حنبلؒ خوب دانا وپرهیزگارتر ندیدم »

امام حنبلؒ نیز دربین مسلمانان پیروان دارد که ایشان را حنبلی میگویند ومذهب شان نیز به این نام یاد میشود .

امام حنبلؒ هم از روی قرآنکریم واحادیث پیغمبر (ص) مسائل مشکل را حل میکرد وسوالات مسلمانان راجواب می‌داد.



# تمرین

۱- نام امام حنبلؒ چیست ؟
۲- امام حنبلؒ درکدام سال تولد شده است ؟
۳- کسانی که برمذهب امام حنبلؒ اند آن ها را چه میگویند ؟

## قرآن کریم برای صنف پنجم

دو بخش قرآنکریم طوری درنظر گرفته شود که
یکی تنها از روی قرآن مجید خوانده شود و دیگری به
حافظه سپرده شده و یاد گردد مانند ذیل :

الف : بخش خواندن از ابتدای پارهٔ چهارم قرآن کریم
تا پایان پارهٔ ششم می باشد .

ب : بخش حفظی :

# سورة يس

بِسۡمِ اللّٰهِ الرَّحۡمٰنِ الرَّحِيۡمِ

يٰسٓ ۚ﴿۱﴾ وَ الۡقُرۡاٰنِ الۡحَکِيۡمِ ۙ﴿۲﴾ اِنَّکَ لَمِنَ الۡمُرۡسَلِيۡنَ ۙ﴿۳﴾
عَلٰی صِرَاطٍ مُّسۡتَقِيۡمٍ ؕ﴿۴﴾ تَنۡزِيۡلَ الۡعَزِيۡزِ الرَّحِيۡمِ ۙ﴿۵﴾
لِتُنۡذِرَ قَوۡمًا مَّاۤ اُنۡذِرَ اٰبَآؤُهُمۡ فَهُمۡ غٰفِلُوۡنَ ﴿۶﴾
لَقَدۡ حَقَّ الۡقَوۡلُ عَلٰۤی اَکۡثَرِهِمۡ فَهُمۡ لَا يُؤۡمِنُوۡنَ ﴿۷﴾
اِنَّا جَعَلۡنَا فِیۡۤ اَعۡنَاقِهِمۡ اَغۡلٰلًا فَهِیَ اِلَی الۡاَذۡقَانِ
فَهُمۡ مُّقۡمَحُوۡنَ ﴿۸﴾ وَ جَعَلۡنَا مِنۡۢ بَيۡنِ اَيۡدِيۡهِمۡ
سَدًّا وَّ مِنۡ خَلۡفِهِمۡ سَدًّا فَاَغۡشَيۡنٰهُمۡ فَهُمۡ لَا
يُبۡصِرُوۡنَ ﴿۹﴾ وَ سَوَآءٌ عَلَيۡهِمۡ ءَاَنۡذَرۡتَهُمۡ اَمۡ لَمۡ
تُنۡذِرۡهُمۡ لَا يُؤۡمِنُوۡنَ ﴿۱۰﴾ اِنَّمَا تُنۡذِرُ مَنِ اتَّبَعَ
الذِّکۡرَ وَ خَشِیَ الرَّحۡمٰنَ بِالۡغَيۡبِ ۚ فَبَشِّرۡهُ بِمَغۡفِرَةٍ
وَّ اَجۡرٍ کَرِيۡمٍ ﴿۱۱﴾ اِنَّا نَحۡنُ نُحۡیِ الۡمَوۡتٰی وَ نَکۡتُبُ
مَا قَدَّمُوۡا وَ اٰثَارَهُمۡ ؕ وَ کُلَّ شَیۡءٍ اَحۡصَيۡنٰهُ فِیۡۤ

إِمَامٍ مُّبِينٍ ۝١٢ وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا أَصْحٰبَ الْقَرْيَةِ

إِذْ جَآءَهَا الْمُرْسَلُونَ ۝١٣ إِذْ أَرْسَلْنَآ إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ

فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوٓا إِنَّآ إِلَيْكُم

مُّرْسَلُونَ ۝١٤ قَالُوا مَآ أَنتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَمَآ

أَنزَلَ الرَّحْمٰنُ مِن شَيْءٍ إِنْ أَنتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ ۝١٥

قَالُوا رَبُّنَا يَعْلَمُ إِنَّآ إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ ۝١٦ وَمَا عَلَيْنَآ

إِلَّا الْبَلٰغُ الْمُبِينُ ۝١٧ قَالُوٓا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِن

لَّمْ تَنتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُم مِّنَّا عَذَابٌ

أَلِيمٌ ۝١٨ قَالُوا طَآئِرُكُم مَّعَكُمْ أَئِن ذُكِّرْتُم بَلْ

أَنتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ ۝١٩ وَجَآءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ

رَجُلٌ يَسْعٰى قَالَ يٰقَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ ۝٢٠

اتَّبِعُوا مَن لَّا يَسْـَٔلُكُمْ أَجْرًا وَهُم مُّهْتَدُونَ ۝٢١

وَمَالِیَ لَآ اَعْبُدُ الَّذِیْ فَطَرَنِیْ وَاِلَیْهِ

تُرْجَعُوْنَ ﴿۲۲﴾ ءَاَتَّخِذُ مِنْ دُوْنِهٖۤ اٰلِهَةً اِنْ یُّرِدْنِ

الرَّحْمٰنُ بِضُرٍّ لَّا تُغْنِ عَنِّیْ شَفَاعَتُهُمْ شَیْــًٔا وَّلَا

یُنْقِذُوْنِ ﴿۲۳﴾ اِنِّیْۤ اِذًا لَّفِیْ ضَلٰلٍ مُّبِیْنٍ ﴿۲۴﴾ اِنِّیْۤ اٰمَنْتُ

بِرَبِّكُمْ فَاسْمَعُوْنِ ﴿۲۵﴾ قِیْلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ یٰلَیْتَ

قَوْمِیْ یَعْلَمُوْنَ ﴿۲۶﴾ بِمَا غَفَرَ لِیْ رَبِّیْ وَجَعَلَنِیْ مِنَ

الْمُكْرَمِیْنَ ﴿۲۷﴾ وَمَاۤ اَنْزَلْنَا عَلٰی قَوْمِهٖ مِنْۢ بَعْدِهٖ مِنْ

جُنْدٍ مِّنَ السَّمَآءِ وَمَا كُنَّا مُنْزِلِیْنَ ﴿۲۸﴾ اِنْ كَانَتْ اِلَّا

صَیْحَةً وَّاحِدَةً فَاِذَا هُمْ خٰمِدُوْنَ ﴿۲۹﴾ یٰحَسْرَةً عَلَی الْعِبَادِ

مَا یَاْتِیْهِمْ مِّنْ رَّسُوْلٍ اِلَّا كَانُوْا بِهٖ یَسْتَهْزِءُوْنَ ﴿۳۰﴾

اَلَمْ یَرَوْا كَمْ اَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّنَ الْقُرُوْنِ اَنَّهُمْ

اِلَیْهِمْ لَا یَرْجِعُوْنَ ﴿۳۱﴾ وَاِنْ كُلٌّ لَّمَّا جَمِیْعٌ لَّدَیْنَا

مُحْضَرُوْنَ ﴿۳۲﴾ وَاٰیَةٌ لَّهُمُ الْاَرْضُ الْمَیْتَةُ اَحْیَیْنٰهَا

وَ اَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَاْكُلُوْنَ ﴿٣٣﴾ وَ جَعَلْنَا فِيْهَا
جَنّٰتٍ مِّنْ نَّخِيْلٍ وَّ اَعْنَابٍ وَّ فَجَّرْنَا فِيْهَا مِنَ
الْعُيُوْنِ ﴿٣٤﴾ لِيَاْكُلُوْا مِنْ ثَمَرِهٖ ۙ وَ مَا عَمِلَتْهُ اَيْدِيْهِمْ ؕ
اَفَلَا يَشْكُرُوْنَ ﴿٣٥﴾ سُبْحٰنَ الَّذِيْ خَلَقَ الْاَزْوَاجَ كُلَّهَا
مِمَّا تُنْبِتُ الْاَرْضُ وَ مِنْ اَنْفُسِهِمْ وَ مِمَّا لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿٣٦﴾
وَ اٰيَةٌ لَّهُمُ الَّيْلُ ۖۚ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَاِذَا هُمْ
مُّظْلِمُوْنَ ﴿٣٧﴾ وَ الشَّمْسُ تَجْرِيْ لِمُسْتَقَرٍّ لَّهَا ؕ ذٰلِكَ
تَقْدِيْرُ الْعَزِيْزِ الْعَلِيْمِ ﴿٣٨﴾ وَ الْقَمَرَ قَدَّرْنٰهُ مَنَازِلَ حَتّٰى
عَادَ كَالْعُرْجُوْنِ الْقَدِيْمِ ﴿٣٩﴾ لَا الشَّمْسُ يَنْۢبَغِيْ لَهَاۤ
اَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَ لَا الَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ ؕ وَ كُلٌّ فِيْ
فَلَكٍ يَّسْبَحُوْنَ ﴿٤٠﴾ وَ اٰيَةٌ لَّهُمْ اَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ
فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُوْنِ ﴿٤١﴾ وَ خَلَقْنَا لَهُمْ مِّنْ مِّثْلِهٖ
مَا يَرْكَبُوْنَ ﴿٤٢﴾ وَ اِنْ نَّشَاْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيْخَ

لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنْقَذُوْنَ ۝٤٣ اِلَّا رَحْمَةً مِّنَّا وَمَتَاعًا

اِلٰى حِيْنٍ ۝٤٤ وَاِذَا قِيْلَ لَهُمُ اتَّقُوْا مَا بَيْنَ اَيْدِيْكُمْ

وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُوْنَ ۝٤٥ وَمَا تَاْتِيْهِمْ مِّنْ

اٰيَةٍ مِّنْ اٰيٰتِ رَبِّهِمْ اِلَّا كَانُوْا عَنْهَا مُعْرِضِيْنَ ۝٤٦

وَاِذَا قِيْلَ لَهُمْ اَنْفِقُوْا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللّٰهُ قَالَ الَّذِيْنَ

كَفَرُوْا لِلَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اَنُطْعِمُ مَنْ لَّوْ يَشَآءُ اللّٰهُ اَطْعَمَهٗٓ

اِنْ اَنْتُمْ اِلَّا فِيْ ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ ۝٤٧ وَيَقُوْلُوْنَ مَتٰى

هٰذَا الْوَعْدُ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ۝٤٨ مَا يَنْظُرُوْنَ اِلَّا

صَيْحَةً وَّاحِدَةً تَاْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُوْنَ ۝٤٩ فَلَا

يَسْتَطِيْعُوْنَ تَوْصِيَةً وَّلَآ اِلٰٓى اَهْلِهِمْ يَرْجِعُوْنَ ۝٥٠

وَنُفِخَ فِي الصُّوْرِ فَاِذَا هُمْ مِّنَ الْاَجْدَاثِ اِلٰى رَبِّهِمْ

يَنْسِلُوْنَ ۝٥١ قَالُوْا يٰوَيْلَنَا مَنْۢ بَعَثَنَا مِنْ مَّرْقَدِنَا سكتة

هٰذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمٰنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُوْنَ ۝٥٢ اِنْ

كَانَتْ اِلَّا صَيْحَةً وَّاحِدَةً فَاِذَا هُمْ جَمِيْعٌ لَّدَيْنَا
مُحْضَرُوْنَ ﴿٥٣﴾ فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْـًٔا وَّ لَا
تُجْزَوْنَ اِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ﴿٥٤﴾ اِنَّ اَصْحٰبَ الْجَنَّةِ
الْيَوْمَ فِیْ شُغُلٍ فٰكِهُوْنَ ﴿٥٥﴾ ج هُمْ وَ اَزْوَاجُهُمْ فِیْ
ظِلٰلٍ عَلَى الْاَرَآئِكِ مُتَّكِـُٔوْنَ ﴿٥٦﴾ لَهُمْ فِيْهَا فَاكِهَةٌ
وَّلَهُمْ مَّا يَدَّعُوْنَ ﴿٥٧﴾ صلے سَلٰمٌ قف قَوْلًا مِّنْ رَّبٍّ رَّحِيْمٍ ﴿٥٨﴾
وَامْتَازُوا الْيَوْمَ اَيُّهَا الْمُجْرِمُوْنَ ﴿٥٩﴾ اَلَمْ اَعْهَدْ اِلَيْكُمْ
يٰبَنِیْٓ اٰدَمَ اَنْ لَّا تَعْبُدُوا الشَّيْطٰنَ ج اِنَّهٗ لَكُمْ عَدُوٌّ
مُّبِيْنٌ ﴿٦٠﴾ لا وَّ اَنِ اعْبُدُوْنِیْ ط هٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيْمٌ ﴿٦١﴾
وَلَقَدْ اَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيْرًا ط اَفَلَمْ تَكُوْنُوْا
تَعْقِلُوْنَ ﴿٦٢﴾ هٰذِهٖ جَهَنَّمُ الَّتِیْ كُنْتُمْ تُوْعَدُوْنَ ﴿٦٣﴾
اِصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُوْنَ ﴿٦٤﴾ اَلْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلٰٓى
اَفْوَاهِهِمْ وَ تُكَلِّمُنَآ اَيْدِيْهِمْ وَ تَشْهَدُ اَرْجُلُهُمْ بِمَا

كَانُوْا يَكْسِبُوْنَ ﴿٦٥﴾ وَلَوْ نَشَآءُ لَطَمَسْنَا عَلٰٓى اَعْيُنِهِمْ

فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَاَنّٰى يُبْصِرُوْنَ ﴿٦٦﴾ وَلَوْ نَشَآءُ لَمَسَخْنٰهُمْ

عَلٰى مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوْا مُضِيًّا وَّلَا يَرْجِعُوْنَ ﴿٦٧﴾ ع

وَمَنْ نُّعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِى الْخَلْقِ ۭ اَفَلَا يَعْقِلُوْنَ ﴿٦٨﴾ وَ

مَا عَلَّمْنٰهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنْۢبَغِىْ لَهٗ ۭ اِنْ هُوَ اِلَّا ذِكْرٌ وَّ

قُرْاٰنٌ مُّبِيْنٌ ﴿٦٩﴾ لِّيُنْذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَّيَحِقَّ الْقَوْلُ

عَلَى الْكٰفِرِيْنَ ﴿٧٠﴾ اَوَلَمْ يَرَوْا اَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِّمَّا عَمِلَتْ

اَيْدِيْنَآ اَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مٰلِكُوْنَ ﴿٧١﴾ وَذَلَّلْنٰهَا

لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوْبُهُمْ وَمِنْهَا يَاْكُلُوْنَ ﴿٧٢﴾ وَلَهُمْ فِيْهَا

مَنَافِعُ وَمَشَارِبُ ۭ اَفَلَا يَشْكُرُوْنَ ﴿٧٣﴾ وَاتَّخَذُوْا مِنْ

دُوْنِ اللّٰهِ اٰلِهَةً لَّعَلَّهُمْ يُنْصَرُوْنَ ﴿٧٤﴾ ۭ لَا يَسْتَطِيْعُوْنَ

نَصْرَهُمْ ۙ وَهُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُّحْضَرُوْنَ ﴿٧٥﴾ فَلَا يَحْزُنْكَ

قَوْلُهُمْ ۘ اِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّوْنَ وَمَا يُعْلِنُوْنَ ﴿٧٦﴾ اَوَلَمْ

يَرَ الْاِنْسَانُ اَنَّا خَلَقْنٰهُ مِنْ نُّطْفَةٍ فَاِذَا هُوَ

خَصِيْمٌ مُّبِيْنٌ ۝٧٧ وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَّنَسِيَ خَلْقَهٗ ط

قَالَ مَنْ يُّحْيِ الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيْمٌ ۝٧٨ قُلْ يُحْيِيْهَا

الَّذِيْٓ اَنْشَاَهَآ اَوَّلَ مَرَّةٍ ط وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيْمٌ ۝٧٩

الَّذِيْ جَعَلَ لَكُمْ مِّنَ الشَّجَرِ الْاَخْضَرِ نَارًا فَاِذَآ

اَنْتُمْ مِّنْهُ تُوْقِدُوْنَ ۝٨٠ اَوَلَيْسَ الَّذِيْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ

وَالْاَرْضَ بِقٰدِرٍ عَلٰٓى اَنْ يَّخْلُقَ مِثْلَهُمْ ط بَلٰى ق وَ

هُوَ الْخَلّٰقُ الْعَلِيْمُ ۝٨١ اِنَّمَآ اَمْرُهٗٓ اِذَآ اَرَادَ شَيْـًٔا

اَنْ يَّقُوْلَ لَهٗ كُنْ فَيَكُوْنُ ۝٨٢ فَسُبْحٰنَ الَّذِيْ بِيَدِهٖ

مَلَكُوْتُ كُلِّ شَيْءٍ وَّاِلَيْهِ تُرْجَعُوْنَ ۝٨٣ ع